



باسمه تعالی

این درس‌نامه ناظر بر بیانیه گام دوم و براساس نیازهای دانش‌آموز تألیف شده است.

فرازی از بیانیه گام دوم با موضوع مسئولیت‌پذیری

جوانان، محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی

راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همهٔ میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی

آدم‌های سنگی، آدم‌های ابری

مسئولیت‌پذیری

حسین فروغی

ایجاد انگیزه

مربی بر روی تخته چند نام را یادداشت می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد که به دقت به این نام‌ها توجه کنند: دریاقلی، ریزعلی خواجوی، سیدمحمد رائی هاشمی، عبدالله شهریاری و ستوان ملک‌محمدی. بعد، از دانش‌آموزان سؤال می‌کند که کسی این نام‌ها را می‌شناسد یا نه؟ آیا می‌دانند صاحبان هر یک از این نام‌ها چه کاری کرده است؟

نام شخص	نظر دانش‌آموز درباره کاری که شخص مورد نظر انجام داده است
دریاقلی	
ریزعلی خواجوی	
سیدمحمد رائی هاشمی	
عبدالله شهریاری	
ستوان ملک‌محمدی	

اگر دانش‌آموزان همه نام‌ها را نمی‌شناسند، خود مربی به معرفی صاحبان این نام‌ها بپردازد.

نام شخص	نظر دانش‌آموز درباره کاری که شخص مورد نظر انجام داده است
دریاقلی	در آبادان یک گاراژ اوراق‌فروشی داشت، هنگامی که نیروهای بعث عراق به سمت ایران حمله کردند، زودتر از بقیه از پیشروی عراقی‌ها باخبر شد. برای همین با دوچرخه قراضه‌اش هشت کیلومتر را رکاب زد تا به بچه‌های سپاه آبادان اطلاع دهد.
ریزعلی خواجوی	یک پیرمرد تبریزی بود که یک شب در کنار ریل راه‌آهن راه می‌رفت، متوجه ریزش کوه شد. کتتش را از تنش بیرون آورد و آتش زد تا به راننده قطار در مورد بسته شدن ریل هشدار دهد. او با این کار، قطار و مسافران را از مرگ نجات داد.
سیدمحمد رائی هاشمی	سه نفر دیگر (سیدمحمد رائی هاشمی، عبدالله شهریاری و ستوان ملک‌محمدی) هم کسانی هستند که در جریان جنگ دوم جهانی وقتی نیروهای ارتش سرخ به ایران حمله کرده بودند و خیلی از سربازان فرار کرده بودند، در مرز نخجوان با ارتش شوروی جنگیدند و در دفاع از وطن به شهادت رسیدند.
عبدالله شهریاری	
ستوان ملک‌محمدی	

حالا سوآلی که وجود دارد، این است که چرا این افراد دست به این کار زدند؟ مثلاً دریاقلی چرا باید با دوچرخه درب و داغانش آن‌هم در هوای گرم و داغ جنوب این‌همه راه رکاب بزند تا خبر حمله بعضی‌ها را بدهد؟ یا دهقان فداکار چرا باید در شب تاریک لباسش را آتش بزند که از برخورد قطار جلوگیری کند؟ چرا آن سه مرزبان مثل دیگر دوستانشان فرار را بر قرار ترجیح ندادند؟

به نظر شما چه انگیزه‌ای می‌تواند آدم‌ها را برای دست زدن به این کارها قانع کند؟
به نظر شما شباهت این چند نفر با هم چیست؟ (مربی پیشنهادها را بنویسد)
مربی اجازه دهد که بچه‌ها حدس‌هایشان را بزنند. اگر کسی موضوع گفتگو یا چیزی شبیه به آن را حدس نزد، خودش روی تخته و در کنار دلایل دیگری که بر شمرده‌اند بنویسد: «مسئولیت‌پذیری».
شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث می‌شود آدم‌ها دست به کارهای بزرگی بزنند، بدون اینکه در مقابل دوربین صداوسیما باشند یا بخواهند عکس خودشان را در حال انجام دادن آن کار در اینستاگرام یا شبکه‌های اجتماعی بگذارند، همین مسئله‌ای است که امروز می‌خواهیم درباره آن صحبت کنیم: مسئولیت‌پذیری.

مسئولیت‌پذیری چیست؟

آدم‌های دنیا را می‌شود دو دسته کرد: آدم‌های سنگی و آدم‌های ابری. آدم‌های سنگی کسانی هستند که همیشه یک‌جا چسبیده‌اند. حتی اگر در میان رود و در جریان آب هم که باشند، باز هم حرکتی ندارند و ساکن هستند؛ یعنی سر جایشان سفت ایستاده‌اند و هیچ‌جا نمی‌روند. اینها نمی‌دانند که مسئولیتی دارند و باید در این دنیا حرکتی داشته باشند و حرکتی ایجاد کنند. اما آدم‌های ابری وضعیتشان فرق می‌کند. همیشه در جستجو هستند و در حال فعالیت. از این شهر به آن شهر و از این دشت به آن دشت می‌روند. باران و طراوت با خود می‌برند و مرده‌ها را زنده می‌کنند.
اقبال لاهوری متفکر و شاعر مسلمان معاصر اسم دیگری برای این دو دسته به کار می‌برد. به گروه اول می‌گوید صحرایی و به گروه دوم می‌گوید دریایی. او گروهی را که مثل سنگ یک‌جا ایستاده‌اند، مورد ملامت قرار می‌دهد و می‌گوید باید از خواب برخیزید و حرکت کنید:

دریای تو دریاست که آسوده چو صحراست؟

دریای تو دریاست که افزون نشد و کاست

بیگانه آشوب و نهنگ است چه دریاست؟

از سینه چاکش صفت موج روان خیز

از خواب گران خواب گران خواب گران خیز

صائب تبریزی هم از گروه دوم با صفت موج یاد می‌کند و می‌گوید:

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم

موجیم که آسودگی ما عدم ماست

به تعبیر صائب افراد دسته دوم کسانی هستند که تنها زمانی از تکاپو و حرکت می‌ایستند که نباشند؛ تا وقتی هستند، در حال تولید و تولد هستند.

در روانشناسی هم این ویژگی سنگی و ابری برای نامگذاری رعایت شده است. برای همین به گروه اول که سنگی هستند، منفعل و به گروه دوم که ابری هستند، منعطف میگویند.

در روایات، مسئولیت‌پذیر و منعطف بودن ویژگی غریزی مومن معرفی شده است. یعنی آدم باایمان به طور اتوماتیک و خودکار آدم بی‌تفاوت و منعطفی نیست.^۱ شاید با توجه به این تصویر از روایت بتوانیم به سؤالی که اول پرسیدیم، جواب دهیم. دریاقلی، دهقان فداکار و دیگران براساس ویژگی‌های روحی و غریزی یک مؤمن رفتار کرده‌اند. یعنی همان‌طور که فرد تشنه به صورت غریزی به دنبال آب می‌رود و گرسنه به دنبال غذا، آدم‌های مؤمن هم به طور غریزی دنبال انجام مسئولیت در جامعه و دوری از بی‌تفاوتی هستند. به عبارت بهتر آدم‌های مؤمن براساس ذات ایمان‌مدارشان، در تکاپو و حرکت هستند.

چرا مسئولیت‌پذیری مهم است؟

گاهی برای اینکه بفهمیم یک چیزی چرا مهم است، کافی است فکر کنیم اگر نباشد چه اتفاقی می‌افتد. مثلاً هوا یا همان اکسیژن چرا مهم است؟ کافی است فکر کنید که اگر نباشد، چه اتفاقی می‌افتد آن وقت می‌شود ارزش و اهمیت آن را فهمید. مسئولیت‌پذیری هم مثل اکسیژن است. برای اینکه ارزش آن را بفهمیم، کافی است فکر کنیم با نبود آن چه اتفاقی می‌افتد. ژاپنی‌ها برای اینکه اهمیت مسئولیت‌پذیری را توضیح دهند، ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید:

به خاطر میخی نعلی افتاد

به خاطر نعلی اسبی افتاد

به خاطر اسبی سواری افتاد

به خاطر سواری جنگی شکست خورد

به خاطر شکستی مملکتی نابود شد

و همه اینها به خاطر کسی بود که میخ را خوب نکوبیده بود.

اینکه بدانیم کارهای کوچک ما می‌تواند چه پیامدهای بزرگی برای خودمان و جامعه داشته باشد، ما را قانع می‌کند که نسبت به همه رفتار و برخوردهایمان مسئولیت‌پذیر باشیم.

در تاریخ اسلام جنگ احد یک نمونه بسیار روشن برای نشان دادن خطرات مسئولیت‌ناپذیری است. عدم مسئولیت‌پذیری چند نفر در این جنگ و رها کردن تنگه احد به بهانه به دست آوردن غنائم، باعث شد جنگی که مسلمان‌ها در آن پیروز شده بودند، در دقیقه نود به شکست سخت تبدیل شود.

چطور مسئولیت‌پذیر باشیم؟

۱. کاری که از شما خواسته‌اند، به روشنی بشناسید

در سینما وقتی می‌خواهند به یک بازیگر نقشی پیشنهاد کنند، پیش از آنکه فیلمنامه را برای مطالعه به او بدهند، در چند جمله برایش توضیح می‌دهند که دقیقاً قرار است چه نقشی بر عهده داشته باشد. مثلاً می‌گویند: «قرار است نقش پدر خانواده‌ای را به عهده داشته باشد که فرزند او دچار بیماری سرطان است و مجبور است برای تأمین هزینه‌های فرزندش علاوه بر کار در اداره، مسافرکشی هم بکند.» این چند جمله در ادبیات سینما «لاگ لاین» نامیده می‌شود. بازیگر با دانستن

۱. «المؤمن غریزته النصح».

لاگ لاین می‌تواند تصویر روشنی را از نقشی که قرار است بر عهده بگیرد، در ذهن تجسم کند. در دنیای واقعی هم پذیرفتن مسئولیت و نقش‌ها تفاوت چندانی با عالم سینما ندارد. ما باید نقش و مسئولیتی را که قرار است به عهده بگیریم، به روشنی بشناسیم تا بتوانیم آن را به درستی به انجام برسانیم. در ادبیات دینی مهم‌تر از انجام یک کار، فهم درست آن کار معرفی شده است. رسول خدا می‌فرماید کسی که بدون شناخت و آگاهی دست به کاری بزند و مسئولیتی را بپذیرد، به جای آنکه آبادانی و عمران به ارمغان بیاورد، ویرانی و خرابی به وجود می‌آورد.^۱ امام صادق (ع) هم تقدم شناخت راه بر حرکت را با یک مثال ساده بیان می‌کند. ایشان می‌فرماید کسی که بدون شناخت مسئولیتی را می‌پذیرد، هر اندازه در انجام آن کار جدی‌تر باشد، باعث می‌شود که از مقصود و هدف مربوط به آن کار دورتر شود.^۲ به عبارت دیگر تلاش و کوشش‌های این فرد به جای آنکه اثر مثبت و سازنده داشته باشد، اثر مخرب و ویرانگر دارد. بنابراین باید پیش از پذیرفتن هر کاری، ابعاد و مختصات آن کار را دقیق به دست بیاوریم و در صورتی که توانایی انجام آن را داریم، آن مسئولیت را به عهده بگیریم.

۲. ترس و هراس از قبول مسئولیت نداشته باشید

شناخت اندازه‌های کار و مطابقت آن با توانایی‌ها نباید باعث شود در انسان ایجاد ترس و مسئولیت‌گریزی به وجود بیاید. ترس و هراس بی‌دلیل به عنوان یک ناهنجاری شخصیتی مانع جدی در پذیرش مسئولیت‌هاست. این آفت به اندازه‌ای مهم و خطرناک است که معصومین ضمن دعا‌های گوناگون از خداوند دوری و جدایی از آن را طلب کرده‌اند.^۳ علاوه بر دعا و طلب دوری از ترس نسبت به پذیرفتن مسئولیت، راهنمایان دین، راهکارهای عملی هم برای مبارزه با این بیماری پیشنهاد داده‌اند. امام علی (علیه السلام) برای از بین بردن این بیماری پیشنهاد جالبی می‌دهد. ایشان می‌گویند چیزی که گاهی باعث می‌شود ما مسئولیتی را بر عهده نگیریم، این است که ذهن ما از یک مسئله ساده، تصویر پیچیده و مبهمی تولید می‌کند. راه اینکه این تصویر را از بین ببریم، این است که دست به آن کار بزنیم و با اقدام عملی آن تصویر را اصلاح کنیم. ایشان می‌فرماید: «هرگاه از چیزی ترسیدی، وارد آن شو؛ زیرا ترس و پرهیز از چیزی بزرگ‌تر از آن است تا آدمی وارد آن شود و با آن برخورد کند».^۴ راه دیگری نیز که پیشنهاد می‌دهند این است که به محض اینکه احساس کردی کاری دشوار است نسبت به انجام آن منصرف نشو و آن را ادامه بده؛ زیرا در این صورت آن کار و مسئولیت برای تو ساده و قابل انجام می‌شود.^۵

۳. برنامه‌ریزی کنید

۱. «مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ، كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ؛ كَسَىٰ كَيْفَ عَمِلَ، كَسَىٰ كَيْفَ يَمُوتُ».

۲. «الْعَامِلُ عَلَىٰ غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَىٰ غَيْرِ الطَّرِيقِ، فَلَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّبْرِ إِلَّا بُعْدًا؛ كَسَىٰ كَيْفَ عَمِلَ، كَسَىٰ كَيْفَ يَمُوتُ».

۳. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَالْجِنِّ».

۴. «إِذَا هَبْتَ أَمْرًا فَفَعَّ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّبِهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ».

۵. «إِذَا حَفَّتْ صُعُوبَةُ أَمْرٍ فَاصْعَبْ لَهُ يَدْلًا لَكَ وَخَادِعَ الزَّمَانِ عَنِ أَحْدَانِهِ تَهْنُ عَلَيْكَ؛ هَرَاكُ مِنْ سَخْتِي وَدَشْوَارِي كَارِي تَرَسِيدِي، فِي بَرَابَرِ أَنْ سَرَسَخْتِي نَشَانَ بَدَه كَيْ رَامَتِي شُود وَ فِي بَرَابَرِ حَوَادِثِ رُوزگَارِ چَارَه‌اندیشی كُن كَه بَر تُو آسَان مِي شُوند».

در زندگی کارهای زیادی برای انجام دادن داریم. از نگاه قرآن، مؤمن هیچوقت بیکار نیست. خدا در قرآن خطاب به رسول خودش می‌گوید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»^۱. وقتی از کاری فارغ شدی و کاری را تمام کردی سراغ کار دیگری برو. اما در این میان زمان محدودیت‌هایی برای ما ایجاد می‌کند که نمی‌توانیم به همه مسئولیت‌هایی که بر عهده ماست، به یکباره رسیدگی کنیم. برای همین باید دست به انتخاب اولویت‌ها بزنیم. باید تصمیم بگیریم کدام کار مهم‌تر است و لازم است که پیش از بقیه آن را انجام دهیم. این همان جایی است که مسئله برنامه‌ریزی برای مسئولیت‌پذیری اهمیت پیدا می‌کند. داشتن برنامه، هم در زندگی شخصی و هم در زندگی اجتماعی ضروری است؛ تا جایی که به تعبیر امام علی (ع) بقا و ماندگاری مناصب و دولت‌ها در گرو برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور می‌باشد.^۲ ایشان در جای دیگری برنامه‌ریزی را یکی از ویژگی‌های مؤمنین ذکر می‌کند و می‌فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که آینده را می‌شناسند (و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند).»^۳ در روایت دیگری داشتن برنامه، مهم‌تر از داشتن امکانات و سرمایه معرفی شده است.^۴

۴. از کارهای کوچک شروع کنید

وزرشکارانی که وزنه‌های هزار کیلویی بالای سرشان می‌برند، از وزنه‌های ده کیلویی شروع کرده‌اند. پذیرفتن مسئولیت‌های بزرگ و انجام درست آنها را باید از کارهای کوچک تمرین کرد. کسی که به مطالعه کتاب‌های کوچک و کم‌حجم عادت کرده است، مطالعه کتاب‌های بزرگ و قطور را ساده‌تر انجام خواهد داد. کسی که نمی‌تواند اطاق خودش را اداره کند و مسئولیت نظافت و مرتب بودن آن را به‌خوبی به انجام رساند، معلوم نیست در پذیرفتن مسئولیت‌های بزرگ‌تر چون اداره یک مدرسه یا شهر موفق باشد. نگاه به سیره رسول خدا (ص) به عنوان کسی که قرار است مسئولیت هدایت مردم را به عهده بگیرد، نشان می‌دهد توجه به جزئیات و کارهای شخصی کوچک تا چه اندازه اهمیت دارد. از یکی از همسران رسول خدا نقل شده است که هرگز در خانه بیکار دیده نشد. یا کفش خویش را پینه می‌کرد یا کفش بینوایی را یا پیراهن زن بیوه‌ای را وصله می‌زد. می‌فرمود بیکاری سنگدلی می‌آورد.^۵ در نقل دیگری آمده است در خدمت کارهای خانه بود و با اهل خانه همکاری می‌کرد. بیشتر دوخت و دوز می‌کرد.^۶

۵. کارها را به تعویق نیندازید

در روانشناسی‌های جدید از قانون‌های چندثانیه‌ای یاد می‌کنند. قانون‌هایی که می‌گویند بعد از آنکه قرار شد کاری را انجام دهید، چند ثانیه - کمتر از یک دقیقه - فرصت دارید که اقدام کنید و هرچه آن را تأخیر بیندازید احتمال انجام آن کار دیرتر

۱. سوره شرح، آیه هفت. تفاسیر مختلفی درباره این آیه مطرح شده است؛ مثل اینکه هنگامی که از واجب فارغ شدی، به مستحب بپرداز یا اینکه وقتی از جنگ فارغ شدی، به عبادت بپرداز. جامع آنها این است که خداوند از رسول خود خواسته است که بعد از فراغت از یک کار مهم، به کار دیگری مشغول شود و از آنجا که رسول خدا بنابر تعبیرات قرآن اسوه و الگوی مؤمنان است، این آیه می‌تواند خطاب به مؤمنان هم باشد.

۲. «امارات الدول انشاء الحیل».

۳. «الْمُؤْمِنُونَ هُمُ الَّذِينَ عَرَفُوا مَا أَمَرَهُمْ».

۴. «التلطف فی الحیلۃ اجدی من الوسیلۃ».

۵. کنز العمال، ج ۳، ص ۱۸۲.

۶. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷.

و دورتر می‌شود. در ادبیات دینی از این مسئله با عنوان تسویف یاد می‌شود. در روایات زیادی نسبت به این بیماری هشدار داده شده است. علی(ع) می‌فرماید: «فریب خدعه‌ها و نیرنگ‌های شیطان را نخورید که او درصدد است شما را به تسویف بکشاند، چراکه او در کمین هلاکت و نابودی شماست»^۱.

مولوی می‌گوید:

تو که می‌گویی فردا این بدان
که به هر روزی که می‌گویی زمان
آن درخت بد، جوان‌تر می‌شود
وین کننده، پیر و مضطر می‌شود
خاربن هر روز و هر دم سبزتر
خارکن هر روز زار و خشک‌تر
او جوان‌تر می‌شود تو پیرتر
زود باش و روزگار خود مبر

نکته جالب دیگری که در روایات، این بیماری، بیماری دانشمندان و اهل علم معرفی شده است؛ چراکه غالباً افراد تحصیل‌کرده با وجود دانایی، در مقام عمل و انجام یک مسئولیت دچار وسواس هستند و کار را به تأخیر می‌اندازند. امام علی(ع) می‌فرماید: «جاهلان شما به مرض زیاده‌روی و عالمان شما به بیماری تسویف گرفتارند»^۲. به این نکته نیز باید توجه کرد که در ادبیات دینی از عجله در اموری که خیر و شر آن معلوم نیست، نهی شده است^۳؛ اما در مواردی که از صحیح و درست بودن کار اطمینان داریم، بر تعجیل در انجام آن تأکید و سفارش شده است^۴.

دو نکته:

اول: یکی از ویژگی‌های جوامع پیشرفته این است که آدم‌ها در برابر حقوقی که در جامعه دارند، تکالیف و مسئولیت‌هایی را نیز قبول می‌کنند. انجام درست این مسئولیت‌ها باعث می‌شود جامعه به شکل هماهنگ و درستی پیشروی کند. درست مثل اعضای یک خانواده که وقتی هر کدام به مسئولیت خود درست عمل می‌کنند، افراد خانواده پیشرفت و پویایی خود را حفظ می‌کنند. همین اتفاق را می‌توان در هر جامعه دیگری مثل مدرسه و اداره شاهد بود.

دوم: توجه به نتایج مسئولیت‌پذیری از جمله احساس خوشبختی و رضایت نفس، از سوی دیگر توجه به پیامدهای منفی بی‌عملی و انفعال می‌تواند انسان را به مؤثر بودن در جامعه تشویق کند. به همین دلیل است که در متون دینی تأکیدات فراوانی بر توجه به مسئولیت‌پذیری شده است. برای نمونه اینکه بیکاری عامل سنگدلی و کار عامل نشاط معرفی شده است. فرد بیکار مبعوض خدا و رسول و کسی که قبول مسئولیت می‌کند، همچون جهادگر در راه خدا معرفی شده است.

۱. «لا تغتروا بالمنی و خدع الشیطان و تسویفه فان الشیطان عدوکم، حریص علی أهلاکم».

۲. «جاهلکم مژداد و عالمکم مسوف».

۳. «العجلة من الشیطان».

۴. «ان الله یحب من الخیر ما یعجل».